

بعضی از رازها را نباید بگفته داشت



نویسنده: جینین ساندرز
تصویرگر: کریگ اسمیت
مترجم: میترا امیری



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!

سرشناسه: ساندرز، جینین Sanders, Jayneen
عنوان و نام پدیدآور: بعضی از رازها را نباید نگه داشت / نویسنده: جینین ساندرز
تصویرگر: کریگ اسمیت؛ مترجم: میترا امیری.
مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۳۶ ص.: مصور (رنگی): ۲۲ x ۲۹ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۳۳۷-۷
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: Some secrets should never be kept, c 2011.
یادداشت: گروه سنی: ب.
موضوع: رازداری و پنهان‌کاری -- داستان
موضوع: Secrecy -- Fiction
موضوع: سوء استفاده‌ی جنسی -- داستان
موضوع: Sexual abuse -- Fiction
شناسه‌ی افزوده: اسمیت، کریگ، ۱۹۵۵ - م.، تصویرگر
شناسه‌ی افزوده: Smith, Craig
شناسه‌ی افزوده: امیری، میترا، ۱۳۷۰ - م. مترجم
رده‌بندی دیوینی: ۱۳۹۷ ب ۲۵۲ س ۶۳۴ / ۲۹۷ دا
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۴۱۸۹۱۳



انتشارات پرتقال
بعضی از رازها را نباید نگه داشت
نویسنده: جینین ساندرز
تصویرگر: کریگ اسمیت
مترجم: میترا امیری
ویراستار: آزاده کامیار
مشاور هنری نسخه‌ی فارسی: کیانوش غریب‌پور
طراح جلد نسخه‌ی فارسی: امیر علایی
آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: آتلیه‌ی پرتقال / سحر احدی
مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۳۳۷-۷
نوبت چاپ: اول - ۹۷
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
لیتوگرافی، چاپ: شادرنگ
صحافی: عطف
قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان



۳۰۰۰۶۳۵۶۴




۰۲۱-۶۳۵۶۴



www.porteghaal.com



kids@porteghaal.com



تقدیم به
همه‌ی آن‌ها که بلند فریاد زدند
و آن‌ها که رازهایی در سینه دارند.

۱.م

چند کلمه حرف با آدم بزرگ‌ها



بسیار مهم است که کودکان یاد بگیرند چطور امنیت خود را حفظ کنند و اگر فردی تماس جسمی نامناسبی با آن‌ها برقرار کرد، این موضوع را فوراً به فرد بزرگسال مورد اعتمادشان بگویند. در این بخش، ابتدا چند نکته‌ی کلی درباره‌ی «امنیت بدن» و پس از آن نکاتی را که هنگام مطالعه‌ی داستان باید به آن‌ها توجه شود، خواهیم خواند.

چگونه از بدنمان محافظت کنیم

- کودکان معمولاً نمی‌توانند احساس خود را راحت و شفاف بیان کنند. بنابراین هر روز این فرصت را برایشان فراهم کنید که از احساسشان حرف بزنند. چنین سؤال‌هایی از آنان بپرسید: از این‌که تولدت است چه حسی داری؟ وقتی حیوان خانگی‌ات را نوازش می‌کنی چه احساسی داری؟ وقتی برای اولین بار از یک سرسره‌ی بزرگ سُر می‌خوری پایین چه احساسی داری؟
- درباره‌ی احساس «امنیت» و «نامنی» با کودکان گفت‌وگو کنید و موقعیت‌های مختلفی را که ممکن است باعث ایجاد حس نامنی در کودک شود، بسازید تا با احساسش در آن شرایط خاص آشنا شود و بتواند با شما درباره‌اش صحبت کند. با فرزندتان حرف بزنید و بپرسید که وقتی نگران است یا احساس نامنی می‌کند، چه حالی دارد؟ برایش توضیح دهید که آدم‌ها وقتی نگرانند یا احساس نامنی می‌کنند، این اتفاق‌ها برای بدنشان می‌افتد: دست‌هایشان عرق می‌کند، قلبشان تند می‌زند، گریه می‌کنند، دلشان پیچ می‌خورد، زانوهایشان سست می‌شود و غیره. بگویید این‌ها «نشانه‌های هشداردهنده» هستند که خبر می‌دهند یک جای کار اشکال دارد. فرزندتان را تشویق کنید که هر وقت با «علائم هشداردهنده» روبه‌رو شد، به یک بزرگ‌تر مورد اعتماد خبر بدهد.
- اصطلاح «بخش‌های خصوصی بدن» را برای فرزندتان تعریف کنید. بهشان بگویید اندام‌های خصوصی بدن بخش‌هایی هستند که با لباس زیر پوشانده می‌شوند. از همان سنین پایین، برای اشاره به اندام‌های بدن از الفاظ صحیح استفاده کنید. به فرزندتان بگویید هیچ‌کس نباید بخش‌های خصوصی بدن او را لمس کند (که این شامل لب‌هایش هم می‌شود) و اگر کسی این کار را کرد، باید بگوید «نه!» یا «این کار را نکن!». حتماً و حتماً به بچه‌ها گوشزد کنید که تماس‌های نامناسب را به بزرگ‌تر مورد اعتمادشان اطلاع دهند. از آن‌ها بخواهید تمرین کنند، دستشان را بالا بیاورند و بگویند: «نه». به فرزندتان بگویید آن‌ها هم نباید به بخش‌های خصوصی دیگران دست بزنند، حتی اگر کسی چنین چیزی را از آن‌ها

بخواهد و اگر عکس بخش‌های خصوصی بدن را دیدند به بزرگ‌تر مورد اعتمادشان بگویند. با بچه‌ها گفت‌وگو کنید که بعضی از افراد می‌توانند به بخش‌های خصوصی بدنشان دست بزنند، مثلاً دکترها؛ آن هم زمانی که خودتان یا یک بزرگ‌تر دیگر حضور دارید.

چگونه داستان «بعضی از رازها را نباید نگه داشت» را بخوانیم

۱. به بچه‌ها بگویید می‌خواهید یک داستان خیلی خاص برایشان بخوانید. جلد را نشانشان دهید و عنوان کتاب را بلند بخوانید. بپرسید: فکر می‌کنی این پسر کوچولو کیست؟ به نظرت حالش چطور است؟ چرا فکر می‌کنی این احساس را دارد؟
 ۲. داستان را بخوانید. هر زمان که مناسب دیدید، مکث کنید و درباره‌ی تصاویر حرف بزنید. نکته: پیشنهاد می‌کنیم اولین بار که کتاب را می‌خوانید، زیاد وارد جزئیات تصاویر نشوید تا خط داستانی گم نشود. داستان که تمام شد، مستقیم بروید سراغ سؤال‌های انتهای کتاب. چند دقیقه‌ای را به هر سؤال اختصاص دهید. نکته: وقتی برای بار دوم داستان را می‌خوانید، درباره‌ی زبان بدن پسر بحث کنید و از فرزندتان بپرسید در این تصویر، پسر داستان چه احساسی دارد؟
 ۳. هفته‌ی بعد دوباره سری به داستان بزنید. بپرسید: این داستان را یادت می‌آید؟ درباره‌ی چی بود؟ چه اتفاقی برای پسر داستان افتاد؟ اگر کسی بخش‌های خصوصی بدنمان را لمس کرد، آیا باید این راز را پیش خودمان نگه داریم؟ آن پسر کوچولو چه «نشانه‌های هشداردهنده‌ای» داشت؟ اگر کسی به بخش‌های خصوصی بدنتان دست زد باید چه کار کنید؟ حتماً این نکته را به فرزندتان بگویید که باید به آن شخص بگوید از این کار دست بردارد و به فرد مورد اعتمادش اطلاع دهد و آن‌قدر بگوید تا حرفش را باور کند.
 ۴. در ادامه‌ی این گفت‌وگوها از فرزندتان بخواهید سه تا پنج بزرگسالی را که در چنین شرایطی می‌تواند بهشان اعتماد کند، نام ببرد. به بچه‌ها بگویید این افراد در «گروه امن» آن‌ها قرار دارند؛ یعنی کسانی هستند که می‌شود بهشان اعتماد کرد و همیشه حرف بچه‌ها را باور می‌کنند.
 ۵. هر چند ماه یک بار یا زمانی که از فرد دیگری می‌خواهید از فرزندتان مراقبت کند، داستان را مرور کنید. روی پیام مهم کتاب تأکید کنید: بدن شما، فقط و فقط بدن شماست و هیچ‌کس حق ندارد به آن دست بزند. آدم نباید رازهایی را نگه دارد که باعث می‌شوند حالش بد شود.
- فراموش نکنید: هر آن‌کو با خبر گردد، مصون از هر خطر گردد! دیگران را هم تشویق کنید که به آموزش «امنیت بدن» اهمیت بدهند.